

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والعصر* ان الانسان لفضي خسر*

الا الذين آمنوا وعلوا الصالحات وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر*

گامهای عضویت در

گروه فرهنگی یاران خمینی (ره)



تاریخ آخرین ویرایش : خرداد ۱۳۹۵ (اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل)

فهرست

- گام ویژه: شعار و هدف گروه ۴
- زمینه‌سازی جامعه‌ی مهدوی ۴
- جایگاه ولایت فقیه در جامعه مهدوی ۶
- انقلاب اسلامی ؛ زمینه ساز جامعه مهدوی ۷
- عظمت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه ۸
- امام خامنه‌ای مدظله‌العالی ۱۰
- گام اول : مسجد ۱۲
- نماز اول وقت ۱۲
- نماز جماعت ۱۳
- مسجد ۱۴
- گام دوم : خودسازی ۱۹
- خودسازی علمی (درس) ۲۰
- خودسازی فکری (معرفت) ۲۰
- خودسازی روحی (تهذیب نفس، اخلاق) ۲۰
- خودسازی جسمی (ورزش) ۲۲
- پازل ۲۲
- گام سوم : همدلی ۲۴
- گام چهارم : مسئولیت پذیری ۲۸
- گام پنجم : تشکیلات ۳۴
- اهمیت جماعت و کار جمعی ۳۴
- تشکیلات ؛ لزوم و لوازم آن ۳۴
- نظم ۳۷
- « تشکل » از دیدگاه شهید مظلوم آیت الله بهشتی ۳۹

تقوای جمعی لازم است



ما یک تقوای فردی داریم، که هر کسی خود را تحت مراقبت دائم داشته باشد. تقوای کامل این است که انسان به طور دائم خود را تحت مراقبت داشته باشد؛ مثل کسی که در یک محوطه‌ی پوشیده‌ی از خارهای دامنگیر دارد حرکت می‌کند - این مثال، هم در روایات هست، هم در کلمات بزرگان هست - باید دائم حواسش باشد؛ یعنی زیر پایش را نگاه کند. اگر غفلت کنید، خار دامن شما را می‌گیرد، لباس شما را پاره می‌کند، پای شما را مجروح خواهد کرد. تقوا را تشبیه کرده‌اند به حرکت در خارستان. خب، این تقوای فردی است و لازم است؛ راه دستیابی به فوز و فلاح هم فقط همین است. اگر کسی بخواهد به فلاح برسد، به فوز برسد، به نجات ابدی برسد، بایستی تقوا داشته باشد. هر مقدار این حالت بیشتر بود، فوز و فلاح بیشتر است.

یک تقوای جمعی هم داریم. تقوای جمعی این است که جمع‌ها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی‌مراقبتی جمع‌ها نسبت به مجموعه‌ی خودشان، موجب می‌شود که حتی آدمهائی هم که در بین آن جمع‌ها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمع‌ها بغلتند و به جایی بروند که نمی‌خواهند. در طول این سی سال، ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم. یکی از جاهائی که ضعف نشان داده‌ایم، همین بوده.

در دهه‌های قبل، یک جریان در کشور وجود داشت به نام جریان چپ. آن‌ها شعارهای خوبی هم می‌دادند، اما خودشان را مراقبت نکردند و تقوای جمعی به خرج ندادند. در میانشان آدمهائی بودند که تقوای فردی هم داشتند، اما نداشتن تقوای جمعی، کار آنها را به جایی رساند که فتنه‌گر ضد امام حسین و ضد اسلام و ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند! آن‌ها نیامدند شعار ضد امام و ضد انقلاب بدهند، اما شعار دهنده‌ی ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند؛ این خیلی خطر بزرگی است. آن‌ها غلتیدند. بنابراین تقوای جمعی لازم است.^۱

۱- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸

گام ویژه: شعار و هدف گروه

شعار، هدف و سیاست راهبردی گروه فرهنگی یاران خمینی^(ره) :
زمینه‌سازی جامعه‌ی مهدوی در سایه‌ی تحقق عملی آرمان‌های امامان امت،
خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز.

زمینه‌سازی جامعه‌ی مهدوی

امام خامنه‌ای : امام زمان می‌آید انجام می‌دهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه‌ی آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و آلا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود.^۱

• چرا به صورت جمعی؟

زمینه‌سازی ظهور، وظیفه‌ی هر فرد شیعه در دوران غیبت است؛ اما ما تصمیم گرفته‌ایم که این کار را به صورت جمعی انجام دهیم.
به همدیگر کمک کنیم تا جا نماییم. (توضیح بیشتر در گام سوم و گام پنجم)

• شعارتان بزرگ است؛ اما چگونه با کارهای کوچک؟

جزء اعتقادات ما این است که هر کس در طول تاریخ، قدمی ولو کوچک در راه ظهور بردارد، در حکومت جهانی حضرت سهیم خواهد بود.

قال الامام الصادق علیه السلام : لِيُعِدَّنَّ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجَوْتُ لَأَنْ يُنْسِيَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ.^۲

۱- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) ، ۱۳۷۶ / ۹ / ۲۵

۲- بحار الانوار ، جلد ۵۲ ، ص ۳۶۶ و غیبت نعمانی ، ص ۳۲۰

هر یک از شما خودش را برای خروج قائم آماده کند ولو با تهیه یک تیر، که اگر خداوند این آمادگی را در نیت شما ببیند، امیدوار هستم که خداوند در اجلتان مهلت دهد تا ظهور او را درک کرده و از یاران آن بزرگوار باشید.

• فراموشی؛ آسیب این شعار

شعار، به اندازه‌ی کافی حرکت آفرین هست، فقط باید حواسمان باشد که شعار از یادمان نرود. (همیشه جلوی چشمانمان باشد.)

• محدوده زمانی و مکانی هدف چیست؟

این هدف، بُعد زمانی و مکانی ندارد.

محدوده زمانی: تا زمان ظهور حضرت ولیعصر ارواحنا فداه.

محدوده مکانی: تمام دنیا.

در نتیجه: کار حدّ یقف ندارد.

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه: باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.^۱

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه: ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.^۲

• باید خیلی وسیع نگاه کنیم. دشمن را اشتباه نگیریم.

جبهه فرهنگی جهانی ضدّ اسلام شکل گرفته است. دشمن را در مقیاس حقیقی خود باید بشناسیم و خود را برای رویارویی با او آماده کنیم.

– امام خامنه‌ای: شما وقتی نگاه می‌کنید به جبهه‌ی معارض، یعنی استکبار، جبهه‌ی ظلم، جبهه‌ی سرمایه‌دارهای کلان بین‌المللی، کارتل‌ها، تراست‌ها و و، به چشم یک جبهه به آن‌ها نگاه کنید. یک جبهه‌ی به هم پیوسته‌ای وجود دارد در مقابله‌ی با انقلاب اسلامی، که یک انقلاب معنوی و

۲- صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۱۹۵ (پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور، ۱۳۶۷/۹/۲)

۳- صحیفه امام، جلد ۱۲، ص ۱۴۸ (پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۱۱/۲۲)

دینی و فرهنگی و اعتقادی است. وقتی به چشم یک جبهه‌ی به‌هم‌پیوسته به اینها نگاه کردید، خیلی از کارهای اینها معنای واقعی خودش را نشان می‌دهد.^۱

بایگاہ ولایت فقیہ در جامعہ مہدوی

الآن صحبت از امام زمان و جامعہ مہدوی زیاد است. باید در شعارمان مشخص کنیم کہ منظور ما از جامعہ مہدوی چیست؟
اعتقاد ما این است کہ ترسیم ویژگی‌های این جامعہ، بہ عہدہ‌ی ولی فقیہ است.

• مطیع نایب امام زمان ، می‌تواند از امام زمان ہم اطاعت کند

آیت اللہ شہید سید عبدالحسین دستغیب :

مَنْ أَطَاعَ الْخُمَيْنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ : هر کس از امام خمینی اطاعت کند، قطعاً از خدا اطاعت کرده است.

هر کس بگوید من امام زمان (عج) را قبول دارم، ولی امام امت را قبول ندارم، دروغ می‌گوید، بدانید امام زمان را هم قبول ندارد. اگر امام زمان هم می‌آمد اطاعت او را نمی‌کرد.

هر کس می‌خواهد بداند، اگر امام زمان (عج) ظهور فرماید، نسبت بہ آن حضرت چه موضعی دارد، ببیند الآن با نایب بر حقیقت چگونه است. اگر توانستید مطیع ایشان باشید و هر چه فرمود اطاعت کنید، اطاعت از امام زمان نیز می‌توانید بکنید.

بی‌عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد

• ولایت ؛ عظیم‌ترین نعمت خدا

شہید صیاد شیرازی : عظیم‌ترین نعمت خداوند را، نعمت عظیم ولایت می‌دانم.

• ولایت محوری حتی در آرزوها

شہید سید مرتضی آوینی : وقتی از او پرسیدیم کہ چه آرزویی داری، پیش از آن کہ فکر کند گفت: «رہایی قدس»، و بعد اضافه کرد: «ہر چه امام بفرماید. او نایب امام زمان است و ما مطیع او

۱- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ، ۱۳۹۰/۵/۱۹

هستیم.» و این همه اطاعت به راستی حیرت‌انگیز است. بسیجی دلباخته‌ی حق و اهل ولایت است و به خود حتی اجازه نمی‌دهد به جز آنچه ولی امر می‌خواهد آرزویی داشته باشد.

شهید سید مرتضی آوینی: پیام بسیجی اطاعت است، اطاعتی که از عشق به ولایت برمی‌خیزد. مگر می‌شود که حضرت امام فرمانی بدهند و ما اطاعت نکنیم؟
پیام بسیجی اطاعت است، اطاعتی که از عشق به ولایت برمی‌خیزد. تاریخ جهان هزاران سال در انتظار ظهور این جوانان بوده است تا بیایند و امانت ازلی انسان را ادا کنند و آرمان‌های هزاران ساله‌ی انبیا و اولیای خدا را محقق سازند. این بیابان صحنه‌ی تاریخ است و از این جنگ نیز در تاریخ آینده‌ی سیاره‌ی زمین همان‌گونه سخن خواهند گفت که ما از بدر و حنین می‌گوییم.

انقلاب اسلامی؛ زمینه ساز جامعه مهدوی

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه: مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداء است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.^۱

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه: خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی را به سرمنزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود ارواحنا لمقدمه الفداء رد کنیم.^۲

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه: ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت سلام الله علیه.^۳

۱- صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۳۲۷ (پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی، ۱۳۶۸/۱/۲)

۲- صحیفه امام، جلد ۱۸، ص ۴۷۱ (پیام به نمایندگان مجلس به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس، ۱۳۶۳/۳/۷)

۳- صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۱۷ (سخنرانی در جمع مسئولان و کارکنان وزارت پست، ۱۳۶۷/۱/۱۴)

عظمت امام خمینی رضوان الله تعالى عليه

– کار بزرگ امام خمینی این بود که جهان را در عصر غربت دین به سمت دین‌داری حرکت داد.

امام خامنه‌ای: امام خمینی، شخصیتی آن‌چنان بزرگ بود که در میان بزرگان و رهبران جهان و تاریخ، به جز انبیا و اولیای معصومین علیهم‌السلام، به دشواری می‌توان کسی را با این ابعاد و این خصوصیات تصوّر کرد.^۱

امام خامنه‌ای: او، آن روح‌الله بود که با عصا و بد بیضای موسوی و بیان و فرقان مصطفوی، به نجات مظلومان کمر بست؛ تخت فرعون‌های زمان را لرزاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن ساخت. او به انسانها کرامت، و به مؤمنان عزت، و به مسلمانان قوّت و شوکت، و به دنیای مادی و بی‌روح معنویت، و به جهان اسلام حرکت، و به مبارزان و مجاهدان فی‌سبیل‌الله شهامت و شهادت داد.

او بت‌ها را شکست و باورهای شرک‌آلود را زدود. او به همه فهماند که انسان کامل شدن، علی‌وار زیستن و تا نزدیکی مرزهای عصمت پیش رفتن، افسانه نیست. او به ملت‌ها نیز فهماند که قوی شدن و بند اسارت گسستن و پنجه در پنجه‌ی سلطه‌گران انداختن، ممکن است. از این پس دنیا شاهد شکوفایی روزافزون خمینی کبیر خواهد بود. نهالی که او نشانده و بذری که او پاشیده، همان کلمه‌ی طیبه‌ای است که: «اصلها ثابت و فرعها فی السّماء توتی اکلها کلّ حین باذن ربّها».

باری، خمینی عزیز ما را کیست که نشناسد؟ و کیست که به‌شایستگی بشناسد؟ الفاظ من را تحمّل آن نیست که آن حقیقت فاخر و آن گوهر نفیس را در خود بگنجاند، و قلم قاصر این‌جانب ناتوان‌تر از آن است که سودای ترسیم آن چهره‌ی ملکوتی را بیروراند. بهتر آن‌که عنان قلم درکشم.^۲

۲- پیام به ملت شریف ایران در تجلیل از امام امت ، ۱۳۶۸/۳/۱۸

۳- پیام به ملت شریف ایران در پایان چهلمین روز ارتحال امام خمینی (ره) ، ۱۳۶۸/۴/۲۳

• یاران خمینی (ره) : زبرالحدید

قال الامام الكاظم عليه السلام : رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ قُمْ، يَدْعُو النَّاسَ اِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ، لَا تَزُلُّهُمْ الرِّياحُ الْعَواصِفُ، وَلَا يَمَلُّونَ مِنَ الْحَرْبِ، وَلَا يَجْبُنُونَ، وَ عَلَيَّ اللهُ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.^۱

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام : مردی از اهل قم مردم را به حق دعوت می کند. گروهی از مردم با او گرد می آیند که همانند پاره های آهن مستحکمند. بادهای سخت (ریشه برکن) آن ها را نمی لرزاند و از جنگ و مبارزه به ستوه نمی آیند (از پا نمی افتند) و نمی ترسند و بر خدا توکل می کنند و عاقبت با پرهیزکاران است.

• یاران امام زمان ارواحنا فداه : زبرالحدید

حضرت امام صادق علیه السلام : مردانی که گویا دل هایشان پاره های آهن است (رَجَالَ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبْرُ الْحَدِيدِ). غبار تردید در ذات مقدس خداوند، خاطرشان را نمی آلود. سبک خواب و شب زنده- دارند. در نماز، بسان زنبور عسل زمزمه می کنند. همانند چراغ های فروزانند. گویا دل هایشان نورباران است. از ناخشندی پروردگارشان هراس دارند. برای شهادت دعا می کنند و آرزومند کشته شدن در راه خداوند.^۲

امام خامنه ای : اگر بخواهید این حرکت با همین شتاب و با همین رفتار تداوم پیدا کند و اثربخش باشد، بایستی خودمان را بسازیم. ما باید « کزبر الحدید » باشیم؛ مثل پاره های فولاد. ایمانمان را تقویت کنیم؛ بصیرتمان را زیاد کنیم ...^۳

شهید سید مرتضی آوینی : مردی از اهل قم قیام خواهد کرد و مردم را به سوی حق فرا خواهد خواند و بر گرد او قومی همچون پاره های آهن اجتماع خواهند کرد؛ قومی که تندباد عواصف آنان را نخواهد لرزاند، از جنگ خسته نخواهند شد، و بر خداست که توکل می کنند.

زبر الحدید، پاره های آهن. تو گویی از آن زمان که این حدیث مبارک بر زبان امام موسی بن جعفر (ع) جاری شده تاکنون، تاریخ قرن ها فاصله را در یک چشم بر هم زدن پیموده است و تو امروز تحقق فرمایش آن بزرگوار را در برابر چشم می بینی. خوب نگاه کن: این ها همان قوم هستند.

۱- سفینه البحار ، شیخ عباس قمی ، جلد ۷ ، باب قم ، صفحه ی ۳۵۸

۲- بحار الانوار ، علامه محمد باقر مجلسی ، جلد ۵۲ ، ص ۳۰۸

۳- بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور ، ۱۴/۲/۱۳۹۰

• نام گروه، مسئولیت آور است

حجت الاسلام حاج آقای اسکندری^(۹): نام گروه - یاران خمینی - برای شما مسئولیت آور است و وظایفی بنا به نام گروه به دوش شما سنگینی می کند.^۱

- وظیفه مان خیلی سنگین است: زبر الحديد: پاره های آهن. (المؤمن کالجبل الراسخ)

- باید شأن خود و گروه را در همه ی جوانب ظاهری و باطنی، متناسب با نام امام خمینی (مردی که عالم را تحت تأثیر خود قرار داد) حفظ کنیم.

امام خامنه ای مدظله العالی

• اعزاز نایب برای آزمایش امت

- هر کدام از ائمه که می خواستند کار بزرگی انجام بدهند، قبلش بین آن امت نایب می فرستادند تا به قول خودمان ببینند، تا چه مقدار پای کار هستند. (مثال: اعزام مسلم ابن عقیل توسط سیدالشهدا به کوفه).

حالا هم حضرت ولیعصر^{ارواحنافده} نائیش را فرستاده است تا ببیند ما چه می کنیم؟ به همین خاطر اعتقاد داریم، تعجیل در ظهور بستگی دارد به عملکرد ما نسبت به سخنان ولی فقیه.

(زمان جنگ خیلی به ظهور نزدیک شده بودیم؛ چون فکر و ذکر همه، یاد و نام امام شده بود. عکس امام همه جا بود.

اگر الان بر نام و حتی عکس حضرت آقا، تأکید می کنیم به این دلیل است که این یک نشانه است برای اعلام آمادگی.

ما گرد نایب امام زمان تجمع کردیم تا به او نشان دهیم که آماده ایم بر محور ولی الله الاعظم تجمع کنیم.

و به همین دلیل است که در گروه تمام کارهایمان بر مبنای فرمایشات حضرت آقا است. می خواهیم بیانات آقا را عملیاتی کنیم.

(باید بیانات حضرت آقا، نقل مجالس مان بشود.)

۱- جلسه اول هیئت مرکزی گروه فرهنگی یاران خمینی^(۹)، ۱۳۷۹/۱۱/۲۱

• گلایه نایب امام زمان ؛ جا دارد مرتّب گریه کنیم!

امام خامنه‌ای : در این سخنرانی‌های ما هم گاهی حرف‌های خوبی در گوشه کنار هست؛ منتها غالباً دقت نمی‌شود و همین‌طور ناپدید می‌گردد!^۱

ارواحنا فداه

• ولایت پذیری یاران امام زمان

قال الامام الصادق عليه السلام: هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأَمَّةِ لِسَيِّدِهَا.^۲

در برابر فرمان امامشان از بنده‌ی مطیع، مطیع‌تر هستند.

جمع‌بندی‌کام‌ویژه

– شعار و هدف گروه، به‌طور دقیق برایش ترسیم شده است.

– نسبت به شعار و هدف، دارای دلبستگی و علاقه است. (برایش مهم باشد.)

– رابطه‌ی جایگاه ولایت فقیه و امام عصر^{ارواحنا فداه} را می‌داند : سخن ولی فقیه، سخن امام زمان است.

– حدیث زبر الحديد را حفظ است. اهمیت کار (پاره‌های آهن) را می‌داند.

– نسبت به گوش دادن و پیگیری بیانات حضرت آقا حساس است و آن‌ها را به‌طور مرتّب دنبال می‌کند.

۱- بیانات در دیدار صمیمانه با جوانان ، ۱۳۷۷/۲/۷

۲- بحار الانوار ، جلد ۵۲ ، ص ۳۰۸

گام اول : مسجد

(کنون زمینه‌سازی جامعه‌مهدوی)

نماز اول وقت

• مواظبت بر اوقات نماز

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام : هیچ کاری نزد خدای عزوجل محبوب‌تر از نماز نیست. پس مبادا چیزی از امور دنیا، شما را از اوقات نماز بازدارد؛ زیرا خدای عزوجل مردمانی را نکوهیده و فرموده است: « همانان که از نمازشان غافلند؛ یعنی از اوقات نماز غافلند و به آن اهمیتی نمی‌دهند.^۱

حضرت امام صادق علیه‌السلام : دو خصلت است که هرکس نداشته باشد از او دوری کن، دوری کن، دوری کن. عرض شد: آن دو چیست؟ حضرت فرمود: نماز خواندن به وقت و مواظبت بر آن و همدردی و کمک مالی (به برادران مؤمن).^۲

• سیره عملی امام روح الله

خاطره از خانم فریده مصطفوی (دختر امام راحل) :

حضرت امام خیلی به نماز اهمیت می‌دادند، خیلی سفارش نماز را می‌کردند. همیشه می‌گفتند: در مورد نمازتان اهمال نکنید. به ما می‌گفتند: همین که شما می‌گویید اول این کار را بکنم، بعد نماز بخوانم، این خلاف است، نگوئید این حرف را. به نمازتان اهمیت دهید. اول نماز، خلاصه، خیلی سفارش نماز را می‌کردند.^۳

• یک جمله زیبا و تکان دهنده از مُرادمان

امام خامنه‌ای : بارها جلسات هیئت دولت یا شورای جنگ را برای نماز قطع کردم و به این اصل معتقد بوده و هستم که اگر کار به نماز برمی‌خورد، باید کار را تعطیل کرد و نماز خواند.

۱- میزان الحکمه ، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری ، ج ۷ ، ص ۳۱۲۹

۲- میزان الحکمه ، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری ، ج ۷ ، ص ۳۱۲۹

۳- پا به پای آفتاب (گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی) ، گردآوری : امیررضا ستوده ، ص ۱۱۸

استدلال هم این است که وقتی ندا می آید: " حَىَّ عَلَى الصَّلَاةِ "؛ این خیلی تجاهر و وقاحت می خواهد که خدا شما را به نماز بخواند و شما چشم در چشم دیگران بدوید و توجهی نکنید. این لوث کردن ارزش نماز است که هم به کار لطمه می زند و هم عوارض وضعی دارد.

نماز جماعت

• خانه اش را آتش بزیند!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ی عده ای از مسلمانان که برای نماز در مسجد کندی می کردند، فرمود: عده ای برای نماز در مسجد فراخوانده می شوند (و تأخیر می کنند)، چیزی نمانده که دستور دهیم قدری هیمه جمع آوری و بر در خانه های آن ها گذاشته شود و آتشی برافروخته گردد و با خانه های شان بسوزند.^۱

• بر یهود امت سلام نکنید!

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: بر یهود و نصاری سلام کنید؛ اما بر یهود امت من، سلام نکنید.

گفتند: یا رسول الله! یهود امت تو چه کسانی هستند؟

حضرت فرمودند: آنان که اذان و اقامه را می شنوند؛ ولی در نماز جماعت حاضر نمی شوند.^۲

• بی جماعت، بی نماز است!

حضرت امام صادق علیه السلام: کسی که با جماعت نماز نخواند، از نظر مسلمانان بی نماز است؛ چه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نماز ندارد کسی که بدون علت و عذری، در مسجد با مسلمانان نماز نگذارد.^۳

• جماعت حتی به روی نیزه!

لقمان سلام الله علیه در اندرز به فرزندش، گفت: نماز را با جماعت بخوان، گرچه روی نیزه باشد.^۴

(کنایه از خواندن نماز جماعت حتی در سخت ترین شرایط)

۱- میزان الحکمه، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری، ج ۷، ص ۳۱۴۱

۲- پرسش های مردم و پاسخ های رسول اکرم، شیخ احمد قاضی زاهدی، ص ۵۳۸ (به نقل از لئالی الاخبار، ج ۴)

۳- میزان الحکمه، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری، ج ۷، ص ۳۱۴۱

۴- میزان الحکمه، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری، ج ۷، ص ۳۱۴۱

• چند مسئله از رساله امام راحل

– مستحب است نمازهای واجب خصوصاً نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشا خصوصاً برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می‌شنود بیشتر سفارش شده است.^۱

– در روایتی وارد شده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعتی ثواب ششصد نماز دارد و هر چه بیشتر شوند ثواب نمازشان بیشتر می‌شود تا به ده نفر برسند و عده آنان که از ده گذشت اگر تمام آسمانها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.^۲

– حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنائی جایز نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.^۳

– مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند. و نماز جماعت از نماز اول وقت که فرادی یعنی تنها خوانده شود، بهتر است. و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخواند، از نماز فرادی که آن را طول بدهند، بهتر می‌باشد.^۴

مسجد

• مسجد؛ خانه‌ی خداست

حضرت امام صادق علیه‌السلام : بر شما باد به رفتن مساجد؛ زیرا مساجد خانه‌های خدا در روی زمین‌اند. هر که پاک و پاکیزه وارد آن‌ها شود خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و در زمره‌ی زایران خود قلمدادش کند. پس، در مساجد نماز و دعا بسیار بگزارید.^۵

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم : محبوب‌ترین جای شهرها در پیش خدا، مسجدهاست.^۶

۱- رساله توضیح المسائل ، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه ، مسئله ۱۳۹۹

۲- رساله توضیح المسائل ، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه ، مسئله ۱۴۰۰

۳- رساله توضیح المسائل ، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه ، مسئله ۱۴۰۱

۴- رساله توضیح المسائل ، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه ، مسئله ۱۴۰۲

۵- میزان الحکمه ، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری ، ج ۵ ، ص ۲۳۹۱

۶- نهج الفصاحه ، ص ۵۹۵

• رفتن به مسجد

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: هر که برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود؛ برای هر قدمی که برمی دارد هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجانش بالا رود و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بگمارد که در قبرش به عیادت او روند و انیس تنهایی او باشند و تا زمانی که برانگیخته شود، برایش آمرزش طلبند.^۱

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم: به آن‌ها که در ظلمات شب به سوی مسجدها می‌روند، بشارت بده که روز رستاخیز روشنی کامل دارند.^۲

زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نمازگزار ندارد، مستحب است. و همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد، مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.^۳

• نشستن در مسجد

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: ای اباذر! تا زمانی که در مسجد نشستهای، خدای تعالی به تعداد هر نفسی که می‌کشی، یک درجه در بهشت به تو می‌دهد و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند و برای هر نفسی که در مسجد می‌کشی، ده حسنه برایت نوشته می‌شود و ده گناه از تو پاک می‌گردد.^۴

• شکایت مسجد

حضرت امام صادق علیه السلام: مسجدها از حاضر نشدن همسایگان خود به درگاه خدای تعالی شکایت کردند. خداوند عزوجل به آن‌ها وحی فرمود: به عزت و جلالم سوگند که حتی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و همسایه‌ی من در بهشت نشوند.^۵

۱- میزان الحکمه ، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری ، ج ۵ ، ص ۲۳۹۳

۲- نهج الفصاحه ، ص ۵۹۵

۳- رساله توضیح المسائل ، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه ، مسئله ۸۹۶

۴- میزان الحکمه ، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری ، ج ۵ ، ص ۲۳۹۳

۵- میزان الحکمه ، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری ، ج ۵ ، ص ۲۳۹۵

مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند، و همسایه او نشود، و از او زن نگیرد و به او زن ندهد.^۱

• همسایگی مسجد

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام: اگر همسایه‌ی مسجد بیکار و سالم باشد و برای گزاردن نماز واجب در آن حاضر نشود، نمازش پذیرفته نیست.^۲

• نتیجه‌ی مسجد رفتن

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام: هر که به مسجد رفت و آمد کند، به یکی از این هشت چیز دست یابد: برادر دینی سودمند، یا دانشی جدید، یا آیتی محکم و استوار، یا رحمتی منتظره، یا سخنی که او را از هلاکت برهاند، یا شنیدن جمله‌ای که او را به راه راست هدایت کند، یا آن که گناهی را از ترس یا شرم ترک گوید.^۳

جمع‌بندی گام اول

- اهمیت نماز اول وقت، جماعت و مسجد را می‌داند.
- اصل بر آن است که نمازها را اول وقت، جماعت و در مسجد می‌خواند.
- عدم انجام هر کدام از موارد بالا، حتماً به خاطر عذر موجهی بوده است. (به عنوان مثال این قدر مریض بوده است که باید بچه‌ها بعد از مسجد برای عبادت به منزلشان بروند!) - پیام امام خامنه‌ای به اجلاس نماز را دقیقاً فهمیده و نکته برداری کرده است.

۱- رساله توضیح المسائل، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، مسئله ۸۹۷

۲- میزان الحکمه، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری، ج ۵، ص ۲۳۹۵

۳- میزان الحکمه، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری، ج ۵، ص ۲۳۹۷

پیام امام خامنه‌ای به نوزدهمین اجلاس نماز

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پدید آوردن هویتی به نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه، در شمار زیباترین و پرمرغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه‌ی اسلامی است: خانه‌ی خدا و خانه‌ی مردم؛ خلوت‌انسی با خدا و جلوت‌حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه‌ی علم و جهاد و تدبیر دنیوی؛ جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله‌ی آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان دیگر را نمایان می‌سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم، در هم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می‌کند. مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه‌ی مکتب اسلام است.

با این نگاه، دل‌های ما برای مسجد می‌تپد و از شوق و احساس مسئولیت، لبریز می‌گردد. امروز در میان مساجد ما کم نیستند آنهایی که می‌توانند نمائی از این تصویر زیبا و شوق‌انگیز را به نمایش درآورند. حضور نسل جوان پاک‌نهاد ما و حضور روحانیون و معلمان آگاه و دلسوز، مسجدهائی را به درستی، کانون ذکر و عبادت و اندیشه و معرفت ساخته و یادهای عزیز و گرانبها را در دل‌های ما برانگیخته است. لیکن تا این وظیفه به تمام و کمال گزارده نشود، هیچیک از ما نباید و نمی‌توانیم خطری را که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسائی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد طراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می‌کند، محروم سازیم.

نخستین مطلب مهم، بنای مسجد و حضور روحانی شایسته در آن است. هم‌اکنون با وجود دهها هزار مسجد در کشور، جای هزاران مسجد دیگر در روستاها، شهرها، شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی خالی است. دسترسی آسان به مسجد، نیاز ضروری مؤمنان و جوانان و نوجوانان ما است. روحانی پرهیزگار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه‌ی حیات مسجد است. امامان جماعت

باید آماده‌سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند و مراکز رسیدگی به امور مساجد و حوزه‌های علمیه در همه جا آنان را یاری دهند. مساجد باید مدرّس تفسیر و حدیث و منبرِ معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشد. زمزمه‌ی محبت متولیان و مدیران و امنای مساجد، باید دل‌های پاک جوانان را مجذوب و مشتاق کند. حضور جوانان و روحیه‌های بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پرنشاط و آینده‌پو و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌ای برقرار گردد. چه نیکوست که دانش آموزان برجسته و ممتاز در هر محل، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید رابطه‌ی خود را با جوانانی که ازدواج می‌کنند، با کسانی که به موفقیت‌های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می‌یابند، با صاحب هم‌تانی که کمک به دیگران را وجهی همت می‌سازند، با غم‌دیدگانی که غمگساری می‌جویند، و حتی با نوزادانی که متولد می‌شوند، برقرار و مستحکم کند. مسجد باید در هر منطقه و محل، مأمن و مایه‌ی خیر و برکت باشد و به طریق اولی، وسیله‌ی زحمت و آزار مجاوران نگردد. پخش صداهای آزاردهنده بویژه در شب و هنگام آسایش مردم، کاری ناروا و در مواردی خلاف شرع است. تنها صدائی که باید از مسجد در فضا طنین بیفکند بانگ اذان با صوت خوش و دلنواز است.

عمران مساجد و پرداختن به آرایه‌های معنوی و ظاهری آن، وظیفه‌ی همگان است و هر کسی به اندازه‌ی توان و همت باید در آن سهیم گردد. مردم، شهرداری‌ها و دستگاه‌های دولتی هر یک در آن باید سهمی ایفاء کنند و روحانی دانا و مسئولیت‌پذیر و پرهیزگار می‌تواند و می‌باید محور این منظومه‌ی تلاش مقدس باشد.

از خداوند متعال توفیق همگان را مسألت می‌کنم و برای روحانی مجاهد و خدمتگزار، جناب حجت‌السلام والمسلمین آقای قرائتی دوام عمر و نشاط و توفیق روزافزون از خداوند می‌طلبم.

والسلام علیکم ورحمه‌الله

سیدعلی خامنه‌ای / ۱۸ مهرماه ۱۳۸۹

گام دوم : خودسازی

(تحقق جامعه‌مهدوی در بُعد فردی)

پاسخ رهبر عزیزتر از جانمان به نامه یک نوجوان کرمانی
بسمه تعالی. جوان عزیز! خدا را شکر کنید که شما را از دوران حاکمیت دین بهره‌مند ساخته و
جوانی شما را در چنین دورانی قرار داده است. از این سرمایه‌ی عظیم یعنی جوانی برای
خودسازی علمی، فکری، روحی و جسمی استفاده کنید و مگذارید حتی یک ساعت از این بهار
زندگی به هدر رود و صرف غفلت و لهو شود. اراده‌ی خود را تقویت کنید. با قرآن، عبادت، دعا و
کتاب انس داشته باشید. ورزش روحی و جسمی را هم فراموش نکنید و این را به همه‌ی جوان‌های
خوب و مؤمن بگویید.

والسلام علیکم – سید علی خامنه‌ای

• اساس فعالیت‌های گروه

اول: خودسازی علمی، فکری، روحی و جسمی؛ بعد فعالیت‌های دیگر.
نمی‌خواهیم طبل تو خالی باشیم. طبل فقط صدا دارد، اما درونش خالی است.
این اعتقاد ما است که اگر می‌خواهیم برنامه‌ی بیرونی داشته باشیم، باید چند برابر آن در داخل
گروه، روی خودمان کار کرده باشیم. اگر هم صدا می‌کنیم، باید پشت این صدا، حرف و مطلب
باشد تا ماندگار شود.

امام خامنه‌ای: یاد کنیم از مرحوم آقای نجومی رضوان الله علیه؛ عالم، فاضل، درس‌خوانده،
زحمت‌کشیده، در عین حال یک قله‌ی هنری و حقیقتاً یک هنرمند. بعد از انقلاب، قبل از دوره‌ی
ریاست جمهوری، من یکی از سفره‌هایی که به کرمانشاه آمدم، منزل ایشان رفتم و کارهای
هنری‌اش را از نزدیک دیدم. بعد هم پس از رحلت امام، ایشان یکی از کارهایش را برای من
فرستاده بود. من از ایشان درخواست کردم که این حدیث شریف را: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا
فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»^۱ برای من بنویسید تا جلوی چشم من باشد؛ فراموش نکنیم
وظیفه‌ی تعلیم خودمان را. ایشان با یک خط بسیار زیبایی نوشتند، من هم تابلو کردم و توی اتاق

جلوی چشم من است. «من نصب نفسه للناس اماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره»؛ اگر این تعلیم انجام گرفت، تعلیم غیر، آسان خواهد شد؛ مشکل کار ما این است. عزیزان من! برادران من! فرزندان من! جوانان! طلاب دختر و پسر! اگر می‌خواهید مثل بوته‌ی گلی عطر شما فضا را معطر کند، اگر می‌خواهید معنویت مثل چشمه‌ای از شما سرازیر شود و بدون اجبار، بدون اکراه، تشنگان بنوشند و به سوی آن بشتابند، راهش این است: «فليبدأ بتعليم نفسه»^۱.

خودسازی علمی (درس)

یاران خمینی در مسائل درسی باید سرآمد و محل رجوع هم‌کلاسی‌های خود باشند. کسب رتبه‌های ممتاز در مدرسه، حوزه و دانشگاه، از وظایف یاران خمینی می‌باشد.

امام خامنه‌ای: شما دهها سال در این دنیا زندگی خواهید کرد؛ بنابراین خودتان را از لحاظ علم مجهز کنید. علم از جمله‌ی چیزهایی است که تا آخر عمر برای انسان مفید است. اگر بر این علم، عمل خوب و ماندگاری مترتب شود، برای بعد از مرگ هم مفید خواهد بود. درس خواندن، یک فریضه‌ی اصلی برای شماست.^۲

خودسازی فکری (معرفت)

باید در زمینه‌های مختلف معرفتی، سطح شناخت و اطلاعات خود را بالا ببریم. یاران خمینی از نظر معرفتی باید در سطحی باشند که توانایی پاسخگویی به شبهات مطرح شده در حوزه‌ی دین را بدهند.

خودسازی روحی (تهذیب نفس، اخلاق)

تقوا و جهاد با نفس، می‌بایست شعار اصلی یاران خمینی باشد. باید بدانیم کارها بدون اخلاق و تهذیب نفس به پیش نمی‌رود. تمام تلاش و همت در جهت اصلاح نفس.

۱- بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰

۲- بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان و مسؤولان امور تربیتی سراسر کشور، ۱۳۷۹/۱۲/۸

امام خامنه‌ای : یک خصوصیت دیگر هست که اگر در شما باشد، هم در دوران عمر شما مفید است، هم برای دیگران مفید واقع خواهد شد و هم برای نشئه‌ی آخرت و دوران بی‌پایان زندگی بعد از مرگ مفید است. آن تهذیب نفس است؛ خودتان را پاکیزه کنید.^۱

امام خامنه‌ای : شرح حال شهید افشردی (باقری) را می‌خواندم - به نظرم شرح حال ایشان یا یکی دیگر از همین شهدا بود - در آنجا ذکر شده بود که ایشان هر روز خطاهای خود را می‌نوشته؛ همین که در توصیه‌ی علمای اخلاق و در توصیه‌های بعضی از احادیث و اینها هم هست که خطاهای خودتان را بنویسید، هر شب خودتان را محاسبه کنید. او این چیزها را روی کاغذ می‌نوشته... این محاسبه‌ی نفس، خیلی چیز خوبی است. انسان باید خود را محاسبه کند، بعد یکی یکی از انجام گناهان خود کم کند. ما به بعضی از گناه‌ها عادت کرده‌ایم. همت کنیم اینها را یکی یکی کنار بگذاریم؛ این نقاط ضعف را یکی یکی کم کنیم.^۲

آیت الله سید محمد حسن لنگرودی :

- علامه طباطبایی اهل مراقبه بود. یک وقت خدمت آن بزرگوار رسیدیم که دستورالعملی به ما بدهد. فرمود : مراقبه و محاسبه؛ این دو حالت را شخص سالک باید از ابتدای سیر و سلوک تا انتها ملتزم باشد.

- باز فرمود : مراقبه و محاسبه باید همیشه باشد.

- حتی در این اواخر که نمی‌توانست درست حرف بزند، یکی از رفقا از ایشان خواسته بود که توصیه‌هایی بفرمایید، دوباره فرموده بود: مراقبه، محاسبه.^۳

آیت الله حسن زاده آملی : یکی از کلمات قصار علامه طباطبایی که مدام بر زبان می‌آورد، این جمله‌ی بسیار پر معنا و بلند و عمیق است : ما کاری مهمتر از خودسازی نداریم!^۴

۱- بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانش آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور ، ۱۳۷۹/۱۲/۸

۲- بیانات در دیدار جمعی از مسئولان نظام ، ۱۳۹۰/۱/۲۳

۳- آن مرد آسمانی (خاطرات علامه طباطبایی) ، به اهتمام مرتضی نظری ، ص ۹۸

۴- آن مرد آسمانی (خاطرات علامه طباطبایی) ، به اهتمام مرتضی نظری ، ص ۱۰۵

خودسازی جسمی [ورزش]

یاران خمینی از جهت جسمی نیز باید در نقطه مطلوب باشند که گفته‌اند عقل سالم در بدن سالم است. (اشاره به ورزش مداوم امام خامنه‌ای)

امام خامنه‌ای: برای جوانان ورزش کردن یک سرمایه اندوزی است. من اعتقاد دارم ورزش برای همه یک فریضه‌ی عمومی است. البته منظورم ورزش حرفه‌ای نیست. ورزش حرفه‌ای را هم رد نمی‌کنم، اما توصیه نمی‌کنم که همه‌ی جوانان سراغ ورزش حرفه‌ای بروند؛ نه. ورزش برای سلامت و حفظ نشاط است. این هم سرمایه‌ای است که تا اواخر عمر، برای شما می‌ماند. تن‌پروری و بیکارگی، ضایع کردن آن سرمایه‌ی عظیم است.^۱

امام خامنه‌ای: ورزش، دروازه‌ی ورود به معنویت است.

شهید بهشتی: من اگر یک روز ورزش نکنم، یک روز از انقلاب عقب هستم.

پازل

مجموعه‌ی گروه برای اعضای خود در زمینه‌های مختلف از جمله خودسازی‌ها برنامه دارد و اعضای گروه با عضویت در مجموعه، در حقیقت پذیرفته‌اند که مطابق با برنامه‌های گروه عمل کنند. وقتی برنامه‌ای به عنوان برنامه‌ی رسمی گروه اعلام می‌شود، همه‌ی اعضا موظفند در آن شرکت نمایند. این، بدیهی‌ترین اصل عضویت در یک مجموعه است. برنامه‌های گروه مثل قطعات یک پازل می‌ماند که در صورت اجرای تمام آن‌ها، این پازل تکمیل می‌گردد. به همین دلیل حضور در تمامی برنامه‌ها (جلسات، هیئات، اردوها و ...) الزامی است. به عنوان مثال: بردن اردو کلی زحمت دارد. اما قطعاً مسئولین گروه از برگزاری یک اردو، اهدافی را دنبال می‌کنند که عدم حضور هر یک از اعضا، موجب نرسیدن به تمام اهداف می‌شود.

۱- بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور، ۱۳۷۹/۱۲/۸

جمع‌بندی گام دوم

- نام و مفهوم خودسازی‌های چهارگانه را می‌داند.
- خودسازی‌ها را مهمترین وظیفه‌ی فردی خود دانسته و در جهت تحقق آن‌ها تلاش می‌کند.
- مفهوم پازل را به خوبی فهمیده است. (می‌داند چرا بر روی شرکت در تمام برنامه‌های گروه، اصرار می‌کنیم.)
- با تقویم اجرایی آشناست و نسبت به رعایت دقیق آن حساس می‌باشد.
- در برنامه‌های عمومی گروه و همچنین برنامه‌های مخصوص به خود شرکت منظم و فعال دارد.

گام سوم : همدلی

(ابطال برادران ایمان در جامعه مهدوی)

• حدیث همدلی

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهْمُ اللَّهَ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ ،
لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا ، وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا ، عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا ،
فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤَثِّرُهُ مِنْهُمْ
وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ ، وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعَمَ الْوَكِيلُ^۱.

توقیع شریف مولانا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به جناب شیخ مفید رحمه الله :

اگر شیعیان ما – که خداوند در طاعتش توفیقشان دهد – دل‌هاشان در وفا به عهد و پیمانی که آن‌ها با ما دارند همدل می‌شدند، از فیض دیدار ما محروم نمی‌شدند و سعادت دیدار ما زودتر نصیب‌شان می‌شد، دیداری با معرفت و از روی صداقت،
ما را از آنان چیزی باز نمی‌دارد جز اخبار ناخوشایندی که از آن‌ها به ما می‌رسد.

• آیه همدلی

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^۲.

– نکات نهفته در واژه‌ی برادری:

(الف) دوستی دو برادر، عمیق و پایدار است.

(ب) دوستی دو برادر، متقابل است نه یک‌سویه.

(ج) دوستی دو برادر، بر اساس فطرت و طبیعت است، نه جاذبه‌های مادی و دنیوی.

(د) دو برادر، در برابر بیگانه، یگانه‌اند و بازوی یکدیگر.

(ه) اصل و ریشه‌ی دو برادر، یکی است.

(و) برادر در شادی برادرش شاد و در غم او غمگین است.

– در مکاتب و فرهنگ‌های دیگر: اظهار علاقه با کلمات رفیق، دوست، هم‌شهری، هم‌وطن و ... اما در اسلام با کلمه‌ی برادر که عمیق‌ترین واژه‌هاست.

۱- بحار الانوار ، جلد ۵۳ ، صفحه ۱۷۶

۲- سوره مبارکه حجرات ، آیه ۱۰

– در حدیثی، دو برادر دینی به دو دست تشبیه شده‌اند که یکدیگر را شستشو می‌دهند.

– پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به همراه ۷۴۰ نفر در منطقه‌ی نخيله حضور داشتند که جبرئیل نازل شد و فرمود: خداوند میان فرشتگان، عقد برادری بسته است. رسول اکرم نیز مسلمین را با هم برادر نمود: ابوبکر با عمر، عثمان با عبدالرحمن، سلمان با ابوذر، طلحه با زبیر، مصعب با ابو ایوب انصاری، ابودرداء با بلال، مقداد با عمار، عایشه با حفصه، امیرالمؤمنین با پیامبر.

– در جنگ اُحُد، پیامبر اکرم دستور داد دو نفر از شهدا به نام‌های عبدالله ابن عمر و عمر بن جموح را که میانشان برادری برقرار شده بود، در یک قبر دفن کنند.

– برادری نسبی، روزی گسسته خواهد شد، (فلا أنسابَ لهم)^۱ ولی برادری دینی حتی در قیامت هم پایدار است. (إخواناً علی سُرِّ مُتَقَابِلین)^۲

– دوستی و برادری، باید تنها برای خدا باشد. (الْأَخِلَاءُ یَوْمَئِذٍ بَعْضُهُم لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقین)^۳

– رابطه‌ی برادری، در گرو ایمان است.

جان گرگان و سگان از هم جداست
متحد، جان‌های شیران خداست

– برادری بر اساس ایمان، مشروط به سن، شغل، سواد و درآمد نیست.

– هیچ‌کس، خود را برتر از دیگران نداند: میان برادران، برابری است.

– مهم‌تر از گرفتن برادری، حفظ برادری است.

– امام صادق علیه‌السلام: مؤمن برادر مؤمن است، مانند یک جسد که اگر بخشی از آن بیمار گردد، همه‌ی بدن ناراحت است.

– از نعمت‌های الهی که خداوند در قرآن مطرح کرده است: الفت میان دل‌های مسلمان (کنتم أعداءً قَالَفَ بَیْن قُلُوبِکُمْ)^۴

• گروه؛ محلی برای ساختن جامعه نمونه اسلامی

– از حدیث امام زمان ارواحنا فداه متوجه می‌شویم که گیر غیبت حضرت، ما هستیم.

– (شهید آیت الله دکتر بهشتی) به جوان‌های ایرانی ساکن آلمان گفت: «اگر جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی بسازید، دیگه تبلیغ اسلام نیازی ندارید.» گفت: «تلاش کنید این جامعه رو بسازید، اون-وقت همه می‌آن سراغ شما. این خودش بهترین تبلیغه.»^۵

۱- سوره مبارکه مؤمنون، آیه ۱۰۱

۲- سوره مبارکه حجر، آیه ۴۷

۳- سوره مبارکه زخرف، آیه ۶۷

۴- سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۰۳

۵- کتاب صد دقیقه تا بهشت، ص ۷۲

– نقل خاطره شهید چمران :

توی ذهنمان بود که اگر انقلاب نمی‌شد، ما یک جمعیت محدودی برویم و در یک جزیره‌ی کوچک بر مبنای اسلام زندگی کنیم. مطمئن بودیم که با این کار، عالم را تسخیر خواهیم کرد. (همه‌ی هدف ما هم همین است: ایجاد یک جمع نمونه و الگو بر مبنای اسلام)

• پیامک هدیه

به نظر می‌رسد یکی از مهمترین راه‌های افزایش همدلی، تذکر دادن عیوب یکدیگر با آداب مخصوص اسلامی می‌باشد. این کار، نشان‌دهنده‌ی آن است که برای یکدیگر ارزش و اهمیت قائل هستیم.

قال الامام الصادق علیه السلام: أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عَيْبِي.^۱

محبوب‌ترین دوستانم نزد من کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه کند.

• از یکدیگر مراقبت کنیم

امام خامنه‌ای: اینی که می‌بینید یک عده‌ای در مقابل دشمن منهزم می‌شوند، طاقت نمی‌آورند، نمی‌توانند ایستادگی کنند، به خاطر آن چیزی است که قبلاً از اینها سر زده است؛ باطن خودشان را با گناه و با خطا خراب کرده‌اند... این، علاجش هم مراقبت از خود است. مراقبت از خود هم یعنی همین تقوا. بنابراین علاجش تقواست. مراقب خودمان باشیم. نزدیکان افراد مراقبت کنند؛ زن‌ها از شوهرهایشان، شوهرها از زنهایشان، دوستان نزدیک از همدیگر؛ «و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر». از یکدیگر مراقبت کنیم، برای اینکه دچار نشویم.^۲

• برادری از نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

تکریم شخصیت یکدیگر – نقد دلسوزانه و سازنده – تفقد و ابراز محبت^۳

۱- تحف العقول، ص ۶۶۴

۲- خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰

۳- به نقل از خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی، ۱۳۸۹/۴/۱۸

• حکومت مهدی ارواحنا فداه ؛ اوج دوران همدلی

قال الامام الباقر عليه السلام : إِذْ قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتْ الْمُرَامِلَةُ (دوران همدلی)

وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ^۱

زمان قیام قائم، دوران رفاقت و همدلی فرا می‌رسد. مرد به سراغ مال برادر رفته، حاجت خود را می‌گیرد و احدی او را منع نکند.

• جلسه همدلی

هدف : همدل شدن بچه‌ها از طریق هم‌فکری (مطمئن هستیم که اگر بچه‌ها در طول مدت زمان، با همدیگر هم‌فکری کنند و از یک کلام بهره‌مند شوند، بعد از مدتی، توانایی انجام کارهای بسیار بسیار بزرگ را خواهند داشت.

به همین دلیل اصرار داریم که همه‌ی اعضا، در همه‌ی جلسات حضور داشته باشند).

جمع‌بندی کام سوم

– اهمیت همدلی را به عنوان رکن جمعی زمینه‌سازی جامعه مهدوی می‌داند.

– نسبت به شرکت در جلسات همدلی علاقه‌مند شده و دلیل حساسیت نسبت به

حضور حداکثری را می‌داند.

– اعضای گروه را می‌شناسد.

– آیه « مؤمنان با هم برادرند » را حفظ است.

گام چهارم : مسؤلیت پذیری

(وظیفه‌زمینه‌سازن جامعه‌مهدوی در سطح جامعه)

– کسی که وارد مجموعه‌ی گروه می‌شود، به این معناست که نسبت به امور فرهنگی و لزوم فعالیت در جنگ نرم، دارای دغدغه می‌باشد.

نتیجه‌ی ابتدایی داشتن دغدغه آن است که فرد برای دغدغه‌ی خود سرمایه‌گذاری کند که یکی از نمودهای این سرمایه، وقت گذاشتن در راستای آن دغدغه می‌باشد.

– برای چنین فردی، فعالیت‌های فرهنگی تبدیل به یک اولویت شده است و قطعاً بخشی از برنامه‌ی روزانه‌ی خود را به این امر اختصاص می‌دهد.

– چون با یک هدف مقدس وارد گروه شده‌ایم، از این به بعد، فعالیت‌های گروه برای ما یک اولویت اساسی می‌شود. باید گروه را وارد برنامه‌ی زندگی‌مان کنیم و برای کارها وقت بگذاریم.

– حاج آقای اسکندری: اگر می‌خواهید کار پیشرفت کند؛ همه‌ی اعضا باید مقداری از اوقات شبانه‌روز خود را – نه از وقت درس، بلکه از وقت تلویزیون و خواب – صرف کارهای گروه نمایند.^۱

– هدف از فعالیت‌های بیرونی: در گام دوم گفتیم که در مسیر جامعه‌مهدوی، مهمترین هدف فردی، خودسازی می‌باشد. فردی که این گام را با موفقیت طی کرده است و در مکتب خمینی^(ع)،

پرورش یافته باشد، نمی‌تواند نسبت به دیگران بی‌تفاوت باشد. (خودسازی و دیگرسازی)

– امام راحل عظیم‌الشأن در اوج مقامات عرفانی، هیچ‌گاه از توجه به هدایت دیگران دست برداشت. (برخلاف عده‌ای که توصیه به گوشه‌نشینی و حجره‌نشینی می‌کردند.) و اتفاقاً ویژگی

برتر امام خمینی نسبت به سایر علمای شیعه را همین خصوصیت دانسته‌اند.

– امام خامنه‌ای: کشور ما اهل معنویت است، اما معنویت ما همراه و هم‌روال است با احساس مسئولیت. این معنویت به هیچ وجه نباید ما را از مسئولیت عظیم انقلابی خودمان جدا کند، بلکه

کمک به حرکت انقلابی است. آن کسانی که با تکیه‌ی به دینداری و با عنوان کردن دینداری، سعی می‌کنند جامعه را سیاست‌زدائی کنند، جوانان را سیاست‌زدائی کنند، جوانان را از حضور در عرصه

های کشور دور نگه دارند، اشتباه می‌کنند، راه خطا می‌روند، دچار انحرافند؛ این ابعاد با همدیگر است.^۲

۱- سخنان در جلسه اول هیئت مرکزی گروه فرهنگی باران خمینی^(ع)، ۱۳۷۹/۱۱/۲۱.

۲- بیانات در بیست و دومین سالگرد ارتحال امام خمینی^(ع)، ۱۳۹۰/۳/۱۴.

• می‌خواهیم از زیر بار مسئولیت، شانه خالی نکنیم.

دو نکته :

۱) این می‌خواهیم دو آفت دارد : فراموشی هدف - تنبلی

الف) فراموشی هدف

در گام ویژه گفتیم، هدف به اندازه‌ی کافی، حرکت آفرین می‌باشد؛ فقط باید مواظب باشیم که این شعار و هدف، مرتب در جلوی چشمانمان باشد.

ب) تنبلی

امام خامنه‌ای : یکی از بدترین دشمن‌های انسان که از درون خود او سرمنشأ می‌گیرد، تنبلی و بیکارگی و تن به کار ندادن و دل به کار ندادن است؛ باید با این دشمن مبارزه کرد. اگر با این دشمن مبارزه کردید و توانستید بر او فایق بیایید، آن‌گاه اگر دشمن خارجی هم به کشور شما حمله کرد، می‌توانید بر او نیز فایق بیایید. اگر توانستید بر دشمن غلبه کنید، بر آن دشمنی هم که می‌خواهد همه‌ی امکانات و هستی یک ملت را غصب کند و به یغما ببرد، غلبه خواهید کرد؛ و الا اگر انسان بر تنبلی خود غلبه پیدا نکند و تنبلی بر انسان حاکم شود، در هر میدانی که وظیفه‌ای او را فراخواند، انسان در آن میدان حاضر نخواهد شد. پس اولین دشمن، تنبلی و راحت‌طلبی انسان است. آن کسی که تن به درس، تن به کار، تن به عبادت، تن به وظایف گوناگون خانوادگی و اجتماعی نمی‌دهد و تسلیم تنبلی می‌شود، نمی‌تواند ادعا کند که اگر دشمن او را از بیرون تهدید کند، خواهد توانست بر او پیروز بشود. چطور پیروز خواهد شد؟!...

خواب، دشمن بزرگی است. خواب‌آلودگی، یعنی همان تنبلی، بی‌حالی و کسالت. البته می‌شود بهانه آورد که من حاضرم کار کنم؛ اما از من کار نمی‌کشند؛ اما باید مواظب بود که خود این بهانه، ظهور و بروزی از آن حالت خصمانه‌ی تنبلی در درون انسان نباشد.

۲) فرق نداشتن مسئولیت کوچک و بزرگ

امام خامنه‌ای : بایستی خودمان را برای خدمت در هر جا و به هر گونه آماده کنیم؛ بدون این‌که قبلاً در جایی، خدمت خود را نشان و مشخص کرده باشیم. از اول انقلاب، خودم این‌گونه بودم و بنایم بر این بود. هنگامی که قرار بود امام^(ره) تشریف بیاورند و ما در دانشگاه تهران تحصّل داشتیم، جمعی از رفقای نزدیکی که با هم کار می‌کردیم ... گفتیم که امام، دو سه روز دیگر یا مثلاً فردا وارد تهران می‌شوند و ما آمادگی لازم را نداریم. بیاییم سازماندهی کنیم که وقتی ایشان

آمدند و مراجعات زیاد شد و کارها از همه طرف به این جا ارجاع گردید، معطل نمایم. صحبت دولت هم در میان نبود.

ما عضو شورای انقلاب بودیم و بعضی هم در آن وقت، این موضوع را نمی دانستند ... گفتیم بنشینیم برای این موضوع، یک سازماندهی بکنیم. ساعتی را در عصر یک روز معین کردیم و رفتیم در اتاقی نشستیم. صحبت از تقسیم مسؤولیت‌ها شد و در آن جا گفتم که مسؤولیت من این باشد که جای بدهم! همه تعجب کردند. یعنی چه؟ جای؟ گفتم: بله، من جای درست کردن را خوب بلدم. با گفتن این پیشنهاد، جلسه حالی پیدا کرد. می شود آدم بگوید که مثلاً قسمت دفتر مراجعات، به عهده‌ی من باشد. تنافس و تعارض که نیست. ما می خواهیم این مجموعه را با همدیگر اداره کنیم؛ هر جایش هم که قرار گرفتیم، اگر توانستیم کار آن جا را انجام بدهیم، خوب است.

این، روحیه‌ی من بوده است. البته، آن حرفی که در آن جا زدم، می دانستم که کسی من را برای جای ریختن معین نخواهد کرد و نمی گذارند که من در آن جا بنشینم و جای بریزم؛ اما واقعاً اگر کار به این جا می رسید که بگویند درست کردن جای به عهده‌ی شماست، می رفتم عبایم را کنار می گذاشتم و آستین‌هایم را بالا می زدم و جای درست می کردم. این پیشنهاد، نه تنها برای این بود که چیزی گفته باشم؛ واقعاً برای این کار آماده بودم.

من، با این روحیه وارد شدم و بارها به دوستانم می گفتم که آن کسی نیستم که اگر وارد اتاقی شدم، بگویم آن صندلی متعلق به من است و اگر خالی بود، بروم آن جا بنشینم و اگر خالی نبود، قهر کنم و بیرون بروم. نخیر، من هیچ صندلی خاصی در هیچ اتاقی ندارم. من وارد اتاق می شوم و هر جا خالی بود، همان جا می نشینم. اگر مجموعه احساس کرد که این جا برای من کم است و روی صندلی دیگری نشاند، می نشینم و اگر همان کار را نیز مناسب دانست، آن را انجام می دهم.

گفتن این مطالب، شاید چندان آسان نباشد و ممکن است حمل بر چیزهای دیگر شود؛ اما واقعاً اعتقاد ما این است که برای انقلاب باید این طوری باشیم. از پیش معین نکنیم که صندلی ما آن جاست و اگر دیدیم آن صندلی را به ما دادند، خوشحال بشویم و برویم بنشینیم و بگوییم حقمان بود و اگر دیدیم آن صندلی نشد و یا گوشه‌اش ذره‌ی ساییده بود، بگوییم به ما ظلم شد و قبول نداریم و قهر کنیم و بیرون برویم. من، از اول این روحیه را نداشتم و سعی نکردم این طوری باشم. در مجموعه‌ی انقلاب، تکلیف ما این است.^۱

امام خامنه‌ای: ما که در فلان گوشه، مشغول کار هستیم، دائم باید آن شغل را باید جدی بگیریم و آن را همان « کار مهمی » بدانیم که به ما محول شده و خودمان را در آن شغل بسازیم. در جبهه به یکی می‌گویند، سر برانکار را بگیر، به یکی می‌گویند: آرپی جی بزن. چنانچه هر کدام این کار را نکردند، جبهه شکست خواهد خورد. در جمهوری اسلامی، هر جا که قرار گرفته‌اید، همان جا را « مرکز دنیا » بدانید و آگاه باشید که همه‌ی کارها، به سمت شما متوجه است.

حضرت آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی^(ع): هیچ‌گاه بر روی عمل خیر، برچسب کوچک و بزرگ بودن نذار. چرا؟ چون خالصانه بودن خیلی مهمه. کوچک و بزرگ بودن راهی نداره در این موضوع. اصلاً حجم مطرح نیست. هر چه خلوص بیش تر، عمل بزرگ تر و هر چه خلوص کمتر، عمل کوچک تر! با عینک مادّیت، معنویت رو نسنج. متوجه عرض بنده می‌شی؟ کار خیر کوچک و بزرگ نداره. برای متقی، نفس خیر بودنه که بهشت‌سازه. این مهمه.

سه مطلب مهم دیگر

• اخلاص

- اخلاص، توکل و توسل سه نکته‌ی کلیدی در همه‌ی کارهایمان است.
- در گروه، خبری از پول و مقام و شهرت نیست. اگر نیت‌هایمان هم خالص نباشد، عمرمان را تلف کرده‌ایم.
- اگر نیت خالص باشد، هم کار ماندگار و تأثیرگذار است، هم آخر کار برای خودمان، یک چیزی باقی می‌ماند. (مثال: مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی)

امام خامنه‌ای: غصّه و درد آن جاست که تلاشی نکنیم، اما خدا آن را قبول نکند؛ به خاطر این که اخلاص ما در آن کم است.^۱

• کار به قصد عبادت

- یک نکته‌ی خیلی مهم: ما کار کردن در گروه را یک عبادت می‌دانیم. اگر نگاه‌مان این‌طوری نباشد، ول معطلیم!

۱- بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰/۱۲/۵

– هر کاری که به ما محول می‌شود را به نیت قصد قربت، با اخلاص، حتی المقدور با وضو و توجه خاص انجام دهیم تا علاوه بر اثرگذاری در خودمان، مخاطب‌مان را هم تحت تأثیر قرار دهد.
– دائم الوضو بود. مخصوصاً هنگام کار. می‌گفت عالم تحت ولایت تکوینی الهی است و لذا هرچه بیشتر در مسیر قرب باشیم، همه چیز حتی ابزار و ادوات هم بهتر عمل می‌کنند.^۱

• نوآوری در همه‌ی کارها

– باید در همه‌ی کارهای گروه، یک نوع نوآوری و تحول وجود داشته باشد. نمی‌خواهیم کارهای تکراری که انجام شده و بعضاً جواب هم نداده را دوباره تکرار کنیم.
– می‌خواهیم معارف اهل بیت علیهم السلام را به بهترین صورت و متناسب با شرایط و مقتضیات زمان، عرضه کنیم.
– لازمه‌ی این کار، شناخت دقیق مخاطبین و تفکر است. باید مدام فکر کنیم که چه کنیم مردم دنیا را هرچه بیشتر جذب اسلام کنیم.

– یک حدیث بسیار مهم

حضرت امام رضا علیه السلام: خداوند بنده‌ای که امر ما را احیا کند مورد ترحم قرار دهد. راوی می‌گوید: از حضرت پرسیدم: چگونه امرتان را احیاء کند؟ حضرت فرمودند: علوم ما را فرا بگیرد و آن‌ها را به مردم بیاموزد. چرا که اگر مردم نیکویی‌های کلام ما را بدانند، از ما تبعیت خواهند کرد.^۲

امام خامنه‌ای: بروید سراغ کارهای نشدنی، تا بشود. تصمیم بگیرید بر برداشتن کارهای سنگین، تا بردارید. «و لا یخشون احدا اَلا اللّهُ». خب، زحمت‌هایش چه؟ رنج‌هایش چه؟ محرومیت‌هایش چه؟ جوابش این است که: «و کفی باللّهِ حسیبا»؛ خدا را فراموش نکن، خدا حسابت را دارد. در میزان الهی، رنج تو، محرومیت تو، کفّ نفس تو، حرصی که خوردی، زحمتی که کشیدی، کاری که کردی، خون دلی که خوردی، دندانی که روی جگر گذاشتی، اینها هیچ وقت فراموش نمی‌شود؛ «و کفی باللّهِ حسیبا».^۳

۱- کتاب سید مرتضی آوینی (خاطرات شهید)، مجتبی زحمتکش، ص ۴۴

۲- کتاب نظم، حجت الاسلام مرتضی آقا تهرانی، ص ۲۷ به نقل از کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق

۳- بیانات در جمع روحانیون شیعه و سنی استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰

جمع‌بندی گام چهارم

- نسبت به لزوم فعالیت در زمینه‌های فرهنگی، کاملاً توجیه شده است.
- کار در گروه را یک نوع عبادت و وسیله‌ی تقرب می‌داند.
- جهت نوآوری در کارها، وقت‌هایی برای فکر می‌گذارد.
- به صورت روزانه، برای فعالیت‌های گروه وقت می‌گذارد.

گام پنجم : تشکیلات

اهمیت جماعت و کار جمعی

• دست خدا بر سر جماعت است

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : **يَدُ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ ، فَإِذَا اشْتَدَّ الشَّادُّ مِنْهُمْ اخْتَطَفَهُ الشَّيْطَانُ كَمَا يَخْتَطِفُ الذَّبَّ الشَّاةَ الشَّادَّةَ مِنَ الْغَنَمِ**^۱ : دست خدا بر سر جماعت است؛ هرگاه فردی از جماعت جدا شود شیطان او را می‌رباید؛ همچنان که گرگ گوسفند جدا مانده از رمه را.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : **مَنْ خَرَجَ مِنَ الْجَمَاعَةِ قَيْدَ شَيْبٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ**^۲ : هر کس یک وجب از جماعت جدا شود، حلقه‌ی اسلام را از گردن خود برداشته است.

• از روح جمعی اسلام دور ماندیم

امام خامنه‌ای : شرقی‌ها یک نوع فردگرایی در تاریخشان هست. اسلام البته درست، نقطه‌ی مقابل این عمل کرده است. اسلام همه چیز را جمعی دارد؛ حتی عبادت. می‌دانید عبادت یعنی شخصی‌ترین کار آدم، که رابطه انسان است با خدا، همین را اسلام می‌گوید دسته جمعی انجام بدهید؛ نماز جماعت، حج و ... به هر حال ما از این روح جمعی اسلام دور ماندیم.^۳

تشکیلات ؛ لزوم و لوازم آن

• تشکیلات، لازمه‌ی یک کار جمعی

امام خامنه‌ای : ما اعتقادمان این است که بهترین راهی و برترین حربه‌ای که می‌تواند این راه‌ها را باز کند و هدایت الهی را و هدایت انقلابی را در ذهن‌ها و جان‌ها بنشانند و به میوه بیاورد، متمرکز بکند؛ یک تشکیلات است. ما عقیده داریم که اگر چنانچه کسانی بخواهند برای انقلاب کار کنند

۱- میزان الحکمه ، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری ، ج ۰۲ ، ص ۷۵۸

۲- میزان الحکمه ، حجت الاسلام والمسلمین ری شهری ، ج ۰۲ ، ص ۷۵۸

۳- ۱۳۵۹/۳/۲

و این‌ها متشکل نباشند، نخواهند توانست از لحاظ کیفیت و از لحاظ کمیت آن کاری را بکنند که یک گروه متشکل انجام خواهد داد.^۱

امام خامنه‌ای: تشکیلات یکی از فرائض هر گروه مردمی است که یک هدفی را دنبال می‌کنند. تشکیلات یعنی نظم، یعنی تقسیم وظایف، یعنی ارتباط و اتصال، و زنجیره‌ای کار کردن؛ این معنای تشکیلات است. این چیزی است که نه فقط بد نیست، بلکه یک چیز خوب و بلکه یک چیز ضروری است. هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی‌رود؛ انقلاب اسلامی ایران هم بدون تشکیلات پیش نرفت و پیروز نشد.^۲

امام خامنه‌ای: بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمی‌رود. بنده معتقد به نظم سازمانی هستم.^۳

امام موسی صدر: اگر ما بخواهیم تک روی کنیم و کار دسته جمعی نداشته باشیم، در این دنیای تشکیلاتی کلاهمان پس معرکه است که هست.

لزوم کار تشکیلاتی و نظم در آن حد است که حضرت سید الشهدا علیه السلام در روز عاشورا، لشکر محدود خود را نیز سازماندهی کرد.

• لزوم اطاعت از دستور فرماندهی به حکم عقل، شرع و تجربه

در روایت دارد که در هر سفری که پیامبر اکرم (ص) سه نفر را می‌فرستادند، یکی را بر آن دو نفر دیگر امیر می‌کردند؛ «فلیؤمروا احدثهم». امیر قرار می‌داد، یعنی چه؟ یعنی هر چه او گفت، امرش برای این‌ها واجب‌الاطاعه است. فرق اسلام با غیراسلام این است که در غیراسلام - در بساط طاغوت - آن کسی که امیر شد، اگر وقت غذا رسید، می‌گوید چربترش را جلوی من بگذارید! وقت غذا پختن هم که می‌شود، می‌گوید من امیرم، پس شما چه کاره‌اید، بروید ظرف‌ها را بشوید، غذا را هم خودتان درست کنید! در اسلام، این‌طور نیست. امیر و غیر امیر، غذا را با هم می‌خورند؛

۱- ۱۳۶۱/۹/۱۸

۲- ۱۳۶۰/۱۱/۲۷

۳- بیانات در دیدار اعضای نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۴/۲۰

گرسنگی هم باشد، با هم می‌کشند؛ کار هم باشد، با هم تقسیم می‌کنند؛ اما هر چه او گفت، باید آنها عمل کنند. اطاعت از دستور فرمانده، واجب است؛ حکم عقل و شرع و تجربه است.^۱

• شکل کامل تشکیلات : حل شدن فرد در جمع

امام خامنه‌ای: یک کار تشکیلاتی، یک کار جمعی خصوصیتش این است که فرد باید خودش را در جمع حل کند، گم کند؛ که این گم کردن عین بازیافتن به نحو درست است. چیزی کم نمی‌شود از آدم، چیزها افزوده می‌شود... شکل کامل یک تشکیلات درست، این جوری است که باید فرد در جمع حل بشود.^۲

• واضح ترین معنای تشکیلات : همکاری با یکدیگر

امام خامنه‌ای : یک تشکیلات واحد، اولین و واضح ترین معنایش این است که افرادی که در این تشکیلات کار می‌کنند، این‌ها به دنبال یک جهت واحدی، به دنبال یک گمشده‌ی واحدی می‌گردند، آن هم با همکاری و همراهی و همگامی با یکدیگر. پس اخلاق تشکیلاتی یعنی اخلاق اسلامی؛ اخلاقی تشکیلاتی یعنی اخلاق اسلامی منظم؛ یعنی چگونگی برخورد دو برادر، دو همفکر، دو هم‌آهنگ، دو هم‌جهت. اگر دو نفر از دو طرف که با هم صد و هشتاد درجه اختلاف جهت دارند، می‌آیند به طرف هم، این یک جور برخورد است، این برخورد اصطکاک است. اگر کسانی با هم به یک جهت حرکت می‌کنند، این نوع دیگر این برخورد است؛ برخورد همکاری، همگامی و همراهی است.^۳

۱- بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای دفاتر نمایندگی ولی فقیه در این نهاد ، ۱۳۶۹/۶/۲۹

۲- ۱۳۵۹/۳/۲

۳- ۱۳۵۹/۳/۲

نظم

یکی از لوازم مهم کار جمعی و تشکیلاتی، نظم است.

• تعریف نظم^۱

نوعی پیوند خاص بین دو چیز و یا اجزای یک چیز با هم است. (چگونه می‌توان بین امور فردی و اجتماعی خود هماهنگی ایجاد کرد تا هرگز امور مهم را به خاطر امور غیر ضروری ترک نکنیم یا به تعویق نیندازیم.)

• اهمیت نظم

قال امیر المؤمنین علیه السلام^۱: أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَكَلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي، بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ.^۲
شما را و تمام فرزندان و خاندانم را، و کسانی که این وصیت به آن‌ها می‌رسد، به ترس از خدا، و نظم در امور زندگی، و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می‌کنم.

ویژگی یاران امام زمان ارواحنا فداه

خبر امام حسن عسکری علیه السلام به فرزند عزیزش:

دوستان باصفا، کارها را چنان به نظم و ترتیب درآورده‌اند که همچون درّ گرانبها که در رشته‌ای قرار گیرند، شمع وجودت را احاطه کرده‌اند.^۳

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه : عده‌ی قلیل با نظم، به عده‌ی کثیر بی‌نظم، همیشه غلبه داشته است.^۴

• برکات نظم^۵

(الف) فردی

۱- پاسخ‌گویی به ندای عقل

۲- عمل به وصیت امیر المؤمنین علیه السلام

۱- برگرفته از کتاب نظم آن چه همه دوست دارند ولی ... ، حجت الاسلام دکتر مرتضی آقا تهرانی ، ص ۱۲

۲- نهج البلاغه ، نامه ۴۷

۳- بحار الانوار ، جلد ۵۲ ، ص ۳۵

۴- صحیفه نور ، جلد ۱۴ ، ص ۱۸۷

۵- برگرفته از کتاب نظم آن چه همه دوست دارند ولی ... ، حجت الاسلام دکتر مرتضی آقا تهرانی ، ص ۱۸ الی ۲۲

۳- استفاده از فرصت‌ها

استاد شهید مطهری : استفاده از فرصت یکی از انواع شکرگزاری از نعمت‌ها و موهبت‌های الهی است، همان‌طور که از دست دادن آن، یک نوع کفران نعمت است.

آیت الله قدیری: امام می‌فرمودند: وقتی اوقات شما برکت پیدا می‌کند که منظم باشید. این مطلب را دقیقاً در مورد خود ایشان می‌دیدیم؛ در وقت مطالعه کسی با ایشان نمی‌توانست ملاقات کند. سر وقت در کلاس درس حاضر می‌شدند. سر وقت و مرتب به حرم می‌رفتند و ...

۴- محترم شدن انسان

استاد شهید مطهری : کسی که از لحاظ وقت، منظم است، در نظر دیگران، خودش و کارش محترم می‌گردد. (چون خلف وعده نمی‌کند)

ب) اجتماعی

۱- جلوگیری از هرج و مرج

۲- پیشرفت‌های چشم‌گیر

۳- الگو شدن جامعه‌ی منظم

« تشکّل » از دیدگاه شهید مظلوم آیت الله بهشتی

شرایط تشکّل حق

ما همچنان بر داشتن یک تشکّل یا فشاری می‌کنیم. اما شرط آن تشکّل این است که:

۱- پاسدار ارزش‌ها باشد نه پاسدار خود. نگهبان ارزش‌ها باشد نه نگهبان خود.

هر وقت این تشکّل به جای آن که نگهبان ارزش‌ها باشد و تلاشگر در راه ارزش‌ها باشد، به جای آن که خدا پرست و حق پرست و حق خواه و کمال دوست و کمال خواه باشد، خود خواه شد، آن یک طاغوت می‌شود و چه بهتر که چنین طاغوتی بر



سر راه امت نباشد. بر همه‌ی ماست که دائماً مراقبت کنیم این تشکّل ما خود خواه نشود و همیشه خدا خواه بماند. این با خود سازی مداوم یک یک ما و با مراقبت یک یک ما بر مجموعه‌ی ما و بر وجود سیّال تشکیلاتی ماست.

۲- تشکّل باید سازنده‌ی ما، آسان کننده‌ی خودسازی ما و کمکی به سیر الی الله برای شرکت کنندگان در این تشکّل باشد.

هر وقت یکی از ما یا جمع ما به تشکّل مان مشغول و سرگرم شدیم، چنین تشکّلی لهو می‌شود و باید از او پرهیز کنیم؛ زیرا ما را از یاد خدا دور می‌کند. اگر همه‌اش به فکر تشکیلات مان باشیم، اگر تشکیلات برایمان آن قدر محبوب شد که جانشین خدا و حق شد، این حالت لهو پیدا می‌کند که یلقی عن ذکر الله است و آدم را از یاد خدا غافل می‌کند.

چه وقت ما می‌فهمیم تشکیلات برای ما لهو و سرگرمی نشده و لعب و بازی روزانه نشده؟ وقتی که ببینیم در این تشکیلات داریم ساخته می‌شویم یا این کار تشکیلاتی ما حالت عبادت دارد. ... کافی است ما از خودسازی مان باز بمانیم، کافی است ما از خدا خواهی مان باز بمانیم، همین خودش خسارت بزرگی است. جداً این خسارت است و این است که باید دفاتر حزب مراقبت کنند که آن جا معبد باشد، محلّ عبادت باشد و محلّ عبادت بماند. جای خودسازی ما باشد؛ اما این‌ها با گفتن نمی‌شود. این با اخلاص در نیت و باز با مراقبت بر عمل می‌شود. طرز برخورد هایمان، طرز کارمان، شور و عشق کارمان، این‌ها می‌تواند نشان دهد ما کدام طرفی هستیم.

بنابراین شرط اول این است که ما تشکیلات پرست نشویم. طاغوت و خودخواهی تشکیلاتی پیدا نکنیم. شرط دوم آن است که ما ممکن است تشکیلات پرست نباشیم؛ اما سرگرم تشکیلات باشیم (لهو) یا سرگرم هم نشویم ولی از خودسازی باز بمانیم.

۳- شرط سوم این است که این تشکیلات به درد مردم بخورد، نه این که یک باری باشد بر دوش جامعه (لغو).

این تشکیلات الان مقداری هزینه می برد، مقداری نیروی انسانی می برد، روی این تشکیلات سرمایه گذاری می شود، اگر این تشکیلات به درد مردم نخورد، لغو می شود و ما هم اگر اهل ایمانیم، باید از لغو [بپرهیزیم] «عن اللغو معرضون».

این تشکیلات نباید «بت» و نباید لغو باشد و نباید لهو باشد. باید به درد مردم بخورد، باید کمک کند به جمهوری اسلامی. باید روز به روز هر چه بهتر و الهی تر و نورانی تر و سازنده تر و سرافراز تر و پویا تر و سخت کوش تر و پیشناز تر ادامه بدهیم.

باز هم تکرار می کنم که این صرفاً با گفتن نمی شود... افراد با آن خصلت های منفی ای که دارند، وقتی وارد یک تشکیلات می شوند، در حقیقت با خودشان این میکروب ها را وارد تشکیلات می کنند. به همین جهت هم هست که یکی از واجبات تشکیلات، این است که دائماً مراقب باشد تا میکروب ها از بیرون وارد پیکره و عمق تشکیلات نشود.

افراد را باید اول قرنطینه کنید و بعد وارد تشکیلات بشوند. البته این قرنطینه تا حدودی ممکن است؛ اما اگر بخواهند افراد را در یک کار تشکیلاتی، خیلی در قرنطینه معطل کنند، تقریباً عملی نیست و دشوار است. این است که یک قرنطینه ی مستمر می خواهد. یعنی دائماً باید مراقبت کرد که اگر ویروسی، میکروبی یا فردی داخل تشکیلات می آید، همان اول علاج شود، قبل از این که خصلت بد او به جای دیگر سرایت کند.

هر یک از ما وظیفه داریم که آن ضعف های شخصی خود را سخت مراقبت کنیم. یک نفر تا بیرون یک تشکیلات است، ضعف شخصی اش، ضعف شخصی است. وقتی وارد تشکیلات می شود، ضعف شخصی اش همراه با یک نوع امکان سرایت و سوار بر مرکب تیزی و تندرو است. در تشکیلات، گسترش ضعف ها ممکن است خطرناک تر و شدیدتر باشد و به همین دلیل مراقبت از این ضعف های شخصی افراد، لازم است.

برای ما «عضو»، مقام سنگینی است. برای این است که یک وقتی از خودش سؤال می کنند و یک وقت از خودش و هزاران نفر دیگر سؤال می کنند که چرا این ها را به تباهی کشیدی؟

بنابراین ما همچنان بر ضرورت تشکیلات پافشاری داریم و این دشواری‌هایی هم که بر سر راه داشتن تشکیلات سازنده‌ی پیش‌برنده داشته‌ایم، تحمل کرده و می‌کنیم و معتقدیم این دشواری-ها، همچنان وجود دارد و هست و قابل اجتناب نیست.

... ما خیال می‌کنیم که داشتن یک تشکیلات اسلامی، کار آسانی است و کاری ندارد که ده آدم، دور هم جمع شوند و یک اسم و اساسنامه و نمودار تشکیلاتی و تمام‌شده! خیر؛ این جور نیست! اگر به تجربه‌های شخصی‌تان بنگرید، می‌بینید که مشکل بزرگ، داشتن یک تشکیلات در درون یک یک ماست. زیرا که ما به این آسانی‌ها آدم نمی‌شویم و به این آسانی‌ها انسان نمی‌شویم. بر سر راه انسان شدن‌مان، صدها عقبه وجود دارد که «فلا اقتحم العقبه». صدها تنگه وجود دارد و تا وقتی که بخواهیم از این تنگه‌ها عبور کنیم، اولاً باید تنگه‌ها را بشناسیم، ثانیاً باید توانایی‌اش را داشته باشیم. تازه از یک تنگه عبور می‌کنیم، خیال می‌کنیم تمام شد. می‌بینیم عجب! تنگه‌های سخت‌تر بر سر راه‌مان است. این تا لحظه‌ی مرگ انسان است. و حال که تا لحظه‌ی مرگ انسان هست، پس همه‌ی تشکیلات، آفت دارد و دشواری دارد و عقبه دارد.

مهم این است که در داخل تشکیلات، آن آزادی‌های انسان ساز حفظ شود. ما از اوّل گفته بودیم که امتیاز بزرگ اسلام، این است که می‌خواهد با آزادی‌های انسان، انسان‌ها را بسازد.^۱

تشکل حق انحصار طلب نیست

تشکل حق، تشکلی است که پیرامون آرمان‌های حق به وجود بیاید و ما برای این تشکل، یک نشانه بارز اعلام کرده‌ایم و آن این است: تشکل حق، تشکلی است که انحصار طلب نیست. یعنی چه انحصار طلب نیست؟ یعنی این منطق خودپرستانه و ضدّ خدا پرستی را ندارد که هر کس در این تشکیلات است، آدم خوبی است؛ هر کس در این تشکیلات نیست، آدم خوبی نیست. این تفکر، تفکر شیطانی است و نه رحمانی و نه یزدانی. تشکل خوب و سالم، تشکلی است که یک نظام ارزشی را روشن و صریح مطرح می‌کند. می‌گوید ما پاسدار این نظام ارزشی هستیم. پاسدار این ارزش‌ها هستیم. هر کس این ارزش‌ها را دارد، مورد حمایت ماست. خواه عضو تشکیلات ما باشد، خواه نباشد. هر کس این ارزش‌ها را ندارد مورد انتقاد ماست. خواه عضو تشکیلات ما باشد، خواه نباشد.

۱- نشریه "خط"، شماره ۷، فروردین ۱۳۹۲ به نقل از کتاب «تشکل حق»، انتشارات جامعه اسلامی دانشجویان، سال ۱۳۷۳

یکی از همین ارزش‌ها نیز تشکّل است. یعنی افرادی که از جهات دیگر خوبند اما منفردند و به کار دسته جمعی عادت ندارند، نسبت به افرادی که منفرد نیستند و کار دسته جمعی می‌کنند، می‌گوییم این یک امتیاز بیشتر دارد؛ اما یک امتیاز، نه همه‌ی امتیازها.^۱

ضرورت کار جمعی و تشکّل

ما باید نیروهایمان متشکّل باشد. ما باید سازماندهی داشته باشیم. در برابر عوامل نیرنگ و تشنّج و تفرقه، ما راهی را برویم که ضد تشنّج باشد، ضد تفرقه باشد. ما به سمت وحدت برویم، ما برویم به سمت ثبات و آرامش لازم. البته این، کار می‌برد، فکر می‌برد، برنامه‌ریزی می‌خواهد، سازماندهی می‌خواهد، رهبری می‌خواهد. ... با سازماندهی است که می‌شود بهتر رهبری کرد. ما یک مقام رهبری در کل جامعه داریم که همان ولایت فقیه است که در قانون اساسی نیز آمده، ولی وقتی رهبری ولایت فقیه تصمیم می‌گیرد، آیا با بی‌سامانی بهتر می‌شود آن تصمیم را اجرا کرد یا با سازمان و تشکّل؟ جواب خیلی روشن است که وقتی می‌خواهیم همان نقطه‌نظرهای کلی رهبری و خطوط کلی را که رهبری ترسیم می‌کند یا تصمیمات جزئی حسّاس فوری و فوری را که در یک مواقع حسّاس می‌گیرد و اعلام می‌کند اجرا کنیم، غیر از حمایت و پشتوانه عمومی، یک سیستم اجرایی لازم دارد.

شاخصه تشکّل حق و تشکّل باطل

۱- تشکّل دو جور است؛ (برادرها و خواهرها روی این نکته خیلی دقت کنید.) یک جور آن ضدّ خدا و ضدّ اسلام است و یک جور آن خدایی و اسلامی است. ما این جا باید چشم و گوش‌هایمان را باز کنیم. ... تشکّل ضد خدا و ضدّ اسلام، آن تشکّلی است که با دو نفر یا سه نفر یا ده نفر یا هزار نفر یا ۵۰۰ هزار نفر یا ۲ میلیون نفر یا ۵ میلیون نفر دور هم جمع بشوند و بگویند فقط ما، آدم خوب کجا پیدا می‌شود؟ البته در داخل ما! بیرون چه طور؟ خبری نیست! آقا اندیشه خوب کجا پیدا می‌شود؟ اگر می‌خواهی سراغ آن را بگیری، بیا همین جا دور و بر ما! آن طرف تر چه طور؟ نه دیگر، بیرون ما خبری نیست! برنامه‌ریزی خوب، کجا پیدا می‌شود؟ فقط ما! اخلاص در نیّت کجا پیدا می‌شود؟ البته در جمع ما! بیرون جمع شما چه طور؟ آن‌ها همه شیطانی و اهریمنی است. حال می‌خواهد مال یک فرد باشد یا مال یک تشکیلات.

^۱ نشریه "خط"، شماره ۷، فروردین ۱۳۹۲ به نقل از بیانات شهید در جمع اعضای حزب جمهوری اسلامی

تشکل انحصار طلب و انحصار اندیش، از جانب هر فرد و هر گروه و هر جمع باشد، شیطانی در می‌آید. معنای طاغوت همین است که طاغوت می‌گوید من! غیر از من، هیچ چیز! آن وقت در برابر حق و در برابر خلق، کارش به طغیان کشیده، سرکش می‌شود. ابلیس همین را می‌گفت. حال اگر جمع هم همین را بگوید، یک حزب بگوید، یک سازمان بگوید، بگوید فقط من، این راهش به دوزخ است. این راهش به زندگی شیطانی است. خب این، تشکل باطلی است، هر قدر، تشکل در این زمینه قوی تر شود، باطل قوی شده.

۲- حق کدام است؟ تشکل الهی کدام است؟ تشکل الهی آن است که نیروهای مؤمن به خدا، نیروهای مؤمن به ارزش‌های عالمی الهی و انسانی، بگویند ما متشکل می‌شویم تا در حد توانمان از این ارزش‌ها دفاع کنیم و صاحبان این ارزش‌ها در نظر ما محترم و معتبرند، هر جا که باشند، خواه داخل تشکیلات ما باشند، خواه خارج تشکیلات ما؛ این می‌شود تشکل الهی. آن اولی حزب شیطان می‌شد، این حزب الله می‌شود.

بی حرکتی، مرگ است

بی حرکتی مرگ است، حرکت باید داشت؛ اما از مجاری صحیح آن. ما برای همین منظور دست به تشکیل یک حزب اسلامی زدیم؛ حالا گو این که تا قبل از این که ما حزب تاسیس کنیم، تحزب ارزشی عالی بود؛ به محض این که حزب جمهوری اسلامی تشکیل شد، حالا دیگر تحزب نیز ضد ارزش شده! خیلی واقعاً منطبق عالی است! یک بام و دو هوا، تشکل شده ضد ارزش! مقالاتی نوشته می‌شود علیه اصل تحزب، سخنرانی‌هایی می‌شود بر ضد ارزش تشکل؛ آقا تشکل، وحدت بین امام و امت را بر هم می‌زند! وحدت امت را بر هم می‌زند! تفرقه ایجاد می‌کند! آن وقت بی تشکلی، وحدت به وجود می‌آورد؟ پس این همه سال‌ها از زبان امیرالمؤمنین می‌گفتید: «و نظم امرکم و نظم امرکم» چی بود؟ کهنه شد این‌ها؟ مسئله‌ها همان مطلب اول است، آن تحزبی که می‌گوید من و غیر من هیچ، بله این ضد وحدت است، این عامل تفرقه است، اما اگر در تحزب و تجمع، پاسدار آن ارزش‌ها هستیم و از آن‌ها نگهداری می‌کنم، نه از خودمان.^۱

ده توصیه تشکیلاتی شهید بهشتی

آن چه در ادامه می‌آید ۱۰ توصیه‌ی اوست که حدود ۳۰ سال پیش در جمع انجمن‌های اسلامی سازمان بهزیستی بیان شده :

^۱ نشریه "خط"، شماره ۷، فروردین ۱۳۹۲ (چکیده‌ای از بیانات شهید در مسجد نارمک، ۱۳۵۹/۱۲/۱۰)

برادرها و خواهرهایی که بار سنگین مسئولیت‌ها را بر دوش دارید و چشم‌ها در انتظار نتایج تلاش‌های به هم پیوسته‌ی شماست، خوش آمدید! شماها در اقلیت هستید و دیگر نمی‌خواهیم تعارف بکنیم که اقلیت هستیم. شما اقلیت مؤمن می‌خواهید چه کار کنید؟ می‌خواهید بر ستون قدرت دولت تکیه کنید و بگویید بله، امروز دیگر دولت، دولت ماست؟ می‌خواهید بر ستون قدرت دولت پیروز انقلاب تکیه کنید و کارهایتان را پیش ببرید؟ نظر ماها این است که شما یک اقلیتی باشید که تکیه کنید بر:

۱- ایمان هر چه قوی‌تر به آرمان‌تان و به کارتان. نگذارید این ایمان در شما خدا را ناکرده، پژمرده و ضعیف شود. این ایمان باید روز به روز تقویت گردد.

۲- برنامه‌های عملی‌ای که در آن، تفوق و برتری کارکرد ساختار اسلامی و نیروهای مؤمن به چشم بخورد. باید به‌گونه‌ای باشد که خواهر مسلمان و برادر مسلمان ما که از یک هم‌سن و هم‌کلاسی و هم‌رتبه‌ی غیر مسلمانش در مقام عمل دینی صالح‌تر است، در مقام عمل اجتماعی نیز سودمندتر باشد. اگر عمل شما به حال مردم سودمند واقع شود، ماندنی خواهید بود. این بیان قرآن است. «فاما الزبد فیذهب جفاءً و اما ما ینفع الناس یمکث فی الارض» (کف می‌رود و آن چه برای انسان‌ها سودمند است، می‌ماند. رعد / ۱۷) سودمندی بیشتر ما باعث پیروزی ماست. به همین جهت در خودسازی فردی و جمعی انجمن‌هایتان باید طوری برنامه‌ریزی کنید که در صحنه‌ی خدمت به مردم بدرخشید؛ نه برای تعریف مردم بلکه برای خدا.

۳- ارتباط‌تان را قوی کنید. وقتی یک عده در اقلیت هستند، باید بکوشند تا به کمک ارتباطات گسترده، یک جمع بزرگ‌تر شوند. وقتی که همه یک‌جا جمع هستید، احساس دلگرمی و قدرت بیشتر می‌کنید.

۴- جذب عناصر جدید. گاهی دافعه خیلی قوی است؛ اما جاذبه چندان قوی نیست. مسلمان، هم دافعه دارد و هم جاذبه. شما باید جاذبه‌تان زیاد باشد. باید کلامتان و رفتارتان چنان باشد که اطرافیانتان را یکی یکی جذب کنید. اصلاً باید برنامه داشته باشید برای جذب آن‌ها. مبادا فکر کنید که این‌هایی که با ما مخالف هستند، دیگر کارشان خراب است و درست‌شدنی نیست. خیر، انسان تغییر می‌کند. خیلی آدم‌های خوبی هستند، می‌لغزند و بد می‌شوند. خیلی‌ها آدم‌های بدی هستند و در اثر ارشاد و معاشرت، خوب می‌شوند. تعالیم اسلام یادتان نرود. اسلام می‌گوید تا آخرین لحظات حیات، در توبه باز است.

۵- انضباط. هر کار دسته‌جمعی‌ای که انجام می‌دهید، باید همراه باشد با انضباط تشکیلاتی. بچه مسلمان‌ها به انضباط مقدار کمی بها می‌دهند. باید یک مقدار به انضباط بیشتر بها بدهیم؛ اما نظم فرعون‌ی نه؛ زیرا نظم، گاهی فرعون‌ی و طاغوتی است. نظم ما باید الهی، سازنده و نورانی باشد.

۶- شناسایی و کشف استعدادها. کشف عناصر مدیر و به‌درد بخور که بتوانند پست‌های کلیدی و مؤثر را با لیاقت اداره کنند. گاه ما یک فرد متدین و خوبی را می‌گذاریم رأس کاری ولی چون توانایی‌اش ضعیف است، اثر بدی می‌گذارد. شما باید مدیرهای مؤمن و متعهد ۱۰ سال آینده را هم کشف کنید و هم بسازید.

۷- معلوماتان را ببرید بالا در کنار مطالعات اسلامی. مطالعاتتان باید اسلامی باشد، فنی هم باید باشد. هر کدام از شما وظیفه‌ی شرعی‌تان است که در هفته یک مقدار روی رشته‌ی خاص خودتان مطالعه‌ی فنی کنید، طوری که کاردانی و کارایی فنی شما رو به افزایش پیگیر و مستمر باشد.

۸- شیوه‌های صحیح برخورد با دشمن و مخالف را یاد بگیرید. گاهی برادرها و خواهرها با جریان‌های مخالف می‌خواهند برخورد کوبنده داشته باشند؛ اما طرز برخورد آن‌ها طوری است که در جامعه محکوم می‌شوند. شیوه‌های برخورد باید صحیح باشد. باید درباره‌ی این شیوه‌های برخورد بنشینید و تبادل نظر کنید.

۹- انتقاد از خویشتن. آیا هیچ وقت دور هم جمع می‌شوید، بگوئید این یک هفته، نقایص و عیب کارم این بود. این کار را می‌کنید یا نه؟ خوب، شروع کنید! هیچ اشکالی ندارد. «المؤمن مرآت المؤمن» یعنی چه؟ برادر و خواهر مسلمان باید آینه‌ی یکدیگر باشند. آینه یکی از کارهای این است که عیب‌های آدم را می‌گوید. بنابراین هر هفته‌ای، دو هفته‌ای، یک ساعت دور هم بنشینیم با روی باز و گشاده‌رویی، هر کسی اول عیب‌های خودش را بگوید، بعد آن‌هایی که جا می‌ماند، دیگران بگویند، بعد هم عیب جمع‌مان را بگوئیم.

۱۰- امید کامل به آینده. هیچ مسلمانی حق یأس و ناامیدی ندارد. آدم‌هایی که ایمان به خدا ندارند، آن‌هایی هستند که از گشایش آفرینی خدا در تنگناها مأیوس می‌شوند. انسان‌های مؤمن همیشه باید امیدوار باشند. آن قدر قرآن و اسلام به ما تعلیم می‌دهد که نه با یک غوره سردی‌تان بشود و نه با یک مویز، گرمی‌تان.